

شرق

مردی از داخل خودروی خود به محل دفن پدرش نگاه می‌کند، عکس: David Goldman. AP



صاف و ساده

دومینوی بی‌اعتمادی

انجام کار مثبت؛ یعنی رای‌دادن، برای شهروندان راحت‌تر است و کار منفی؛ یعنی رای‌ندادن، آن هم در شرایط تبلیغات رسانه‌ای پر حجم، انرژی و اراده بیشتری می‌طلبد و چنین تصمیم جمعی‌ای توسط ایرانیان، جای نگرانی جدی دارد و نیازمند توجه و تحلیل درست و اصلاح علل اشاعه این پدیده اجتماعی- سیاسی است.

شاید علت اصلی خدشه‌دارشدن اعتماد عمومی را باید در روابط دولت - ملت جست‌وجو کرد. مردم وقتی مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌کنند، انتظار بجا دارند که نتیجه‌اش را مشاهده کنند؛ برای مثال، وقتی میان دو نامزد ریاست‌جمهوری که یکی را انتخاب می‌کنند، به صورت طبیعی انتظار دارند که پیروز انتخابات، بتواند به وعده خود عمل کند، اما می‌بینند که نامزد پیروز، قدرت کافی برای عمل به وعده خود ندارد و مخالفان و رقبایش، قدرت اصلی را در اختیار دارند و اقدامات او را موبه‌مو خنثی می‌کنند. شهروندان پای صندوق آمده بودند که شرایط مدنظر خود را به شیوه مسالمت‌آمیز و متمدانه دنبال کنند، پس اعتماد خود را از دست می‌دهند و این‌بار به دنبال عدم مشارکت جدی برای اعلام نظرشان می‌روند. در این معادله چه کسی ضرر می‌کند: بی‌اعتمادی شهروندان، دومینویی است که بخش‌های مختلف روابط دولت - ملت را می‌پیماید و اثرات مخرب آن، بخش بزرگی از ساحت اجتماع و سیاست را دچار بحران اعتبار می‌کند. حال یکی از این بخش‌ها، همین مشارکت در برنامه‌های جلب کمک برای نیازمندان است که بی‌اعتنایی عمومی را چنین تجربه می‌کند. دومینو بخش‌های دیگر را هم می‌پیماید؛ اعتماد مردم به اخبار رسمی و دولتی کاهش می‌یابد و گرایش به اخبار جعلی و تخریبی افزایش پیدا می‌کند.

سال گذشته در یک پژوهش علمی، بیش از سه

سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

۱۸ رمضان ۱۴۴۱ = ۱۲ می ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۱۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱

اذان مغرب ۲۰:۲۰

اذان صبح فردا ۴:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

بیش از دو ماه، به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا در ایران تریبون‌های نمازجمعه تعطیل بود و از هفته گذشته به‌صورت محدود و در شهرستان‌های با وضعیت سفید بار دیگر خطبه‌های نمازجمعه برپا شد. اما عده‌ای می‌گویند از برخی ائمه جمعه که سخنان تندوتیزی در خطبه‌های نماز مطرح می‌کردند، خبری نیست؛ همین تلنگری است بار دیگر به اصل و اساس شکل‌گیری نمازجمعه در ایران بعد از انقلاب فکر کنند. پایگاهی که قرار بود عامل ایجاد وحدت در جامعه شود، نماز جمعه به‌عنوان یک عامل وحدت‌بخش در ادبیات پس از انقلاب ما تلقی شده است. قرار بر این بود که نمازجمعه‌های بعد از انقلاب پایگاه‌هایی باشند که مردم هفتگی در آن جمع شده و هم دست به نمایش بگذارند و در کنار هم با آرامش تعامل کنند. برای خودشان، جامعه اسلامی و مسلمانان جهان رفاه و آسایش طلب کنند. در واقع بنیان نمازجمعه در ایران بعد از انقلاب قرار بود چنین گذاشته شود که تضادها و اختلاف‌ها را در جامعه کم کند. بالاخره عبادت فقط این نیست که انسان در موقعیتی قرار بگیرد که تنها با خدا صحبت کند بلکه در کنار ارتباط با خداوند باید ارتباط با جامعه و حفظ سلامت و سعادت جامعه هم در خلال این عبادت دیده شود و بنیان آن گذاشته شود. اینها بخش‌هایی از رسالت‌های اصلی نمازجمعه است. در این میان چون نمازجمعه باید وحدتی در جامعه میان افراد مختلف، نظرهای مختلف، گروه‌ها و نژاد‌های مختلف، در برخی مناطق میان اقوام مختلف ایجاد کند، بنابراین باید از هر چیزی که موجب تنش، اختلاف و شکاف در جامعه باشد، پرهیز کند. متأسفانه ما در این چند سال شاهد پاره‌ای از خطبای دودیم که به‌جای دعوت به وحدت و رفع اختلاف در جهت ایجاد اختلاف و رفع وحدت گام برداشتند. نمازجمعه مرحوم آیت‌الله طالقانی را که در اوایل انقلاب خوانده می‌شد، با برخی از خطبه‌هایی که این روزها خوانده می‌شود، مقایسه کنید و ببینید. در این دو، سه ماه گذشته به دلیل مسئله ویروس

روایت

دوران پساکرونا و وحدت

کرونا در کشور و شیوه انتقال آن قرار بر این شد که مردم بیشتر در خانه بمانند و از اجتماعات پرهیز شود. از همین جهت نماز جمعه‌ها هم تعطیل شد که اقدام مناسبی از سوی دولت برای مهار این بیماری بود و البته مردم هم به‌خوبی همراهی کردند و این تصمیم را پذیرفتند. حالا که قرار است این تریبون‌ها دوباره بعد از چند ماه از سر گرفته شود، امیدوارم توجه شود که نخست خدای نکرده نمازجمعه محفلی برای انتقال ویروس کرونا نشود و دوم اینکه در خطبه‌ها موارد پیش گفته را بیشتر مدنظر قرار بدهند. در جامعه باید مسائلی مطرح شود که رابطه ما به‌عنوان مردم را با خودمان، با دولت‌مان و با کشورهایی دیگر بهتر کند و موجب گسترش کینه و اختلاف نشود. من همین چند روز پیش دیدم که روزنامه کیهان علیه آقای نجف دریابندری که به‌تازگی فوت کردند، مطلب تند و پر از حمله‌های گوناگونی منتشر کرد. چهاره‌ای فرهنگی که همین واکنش‌ها در فضای مجازی هم نشان می‌داد آدم محبوبی در میان مردم بود و کتاب‌هایی که ترجمه کرده بود، خواننده‌های زیادی داشت. من آقای دریابندری را می‌شناختم و می‌دانستم آدمی است که در دنیای خودش زندگی می‌کند. حمله و هجوم به ایشان پس از مرگ‌شان خیلی جفاست. آن‌هم تحت عنوان همیشگی که مثلاً انتشارات فرانکلین را آمریکایی‌ها برای نفوذ در جامعه ایران درست کردند. واقعا ناراست‌تر از این حرف من تاکنون نشنیده‌ام! برای اینکه من بعد از انقلاب از فرانکلین بازدید کردم و همه کتاب‌های آن را بررسی کردم و واقعا یکی از میراث‌های فرهنگی کشور به شمار می‌آید. شما در میان کتاب‌های این انتشارات کتاب‌های مذهبی هم می‌بینید که پیش از انقلاب تدوین شده بود. آن‌چنان که من دیدم و شناختم، این کتاب‌ها یا آقای دریابندری نه پیشینه میهن‌فروشی داشتند و نه نفوذ غرب. من نمی‌دانم این چه حرف‌هایی است که باید بعد از مرگ یک آدم محترم که از قضا بین مردم محبوب هستند و به همان وحدت گروهی فکر می‌کنند، زده شود. این کارها و حرف‌ها جفا به فکر و فرهنگ این کشور است و از بین برنده همدلی در جامعه است. امیدواریم دوران پس از کرونا دورانی باشد که یک همدلی و وحدت در جامعه ما حکم‌فرما شود و هر کسی که تریبونی در اختیار دارد، از نمازجمعه بگیرد تا روزنامه‌ها همه‌ومه از هجوم و حمله به یکدیگر و تاش-بشای از بین‌بردن وحدت و همدلی جامعه پرهیز کنیم.

درنگ

دعا برای نجات

است، این فراخوان را اقدامی اساسی برای نزدیکی قلوب مردم جهان به یکدیگر و یادآوری همبستگی و یک‌پیکری‌بودن اعضای جامعه جهانی و اهمیت دعا در کنار اقدامات اساسی و اصولی علمی و پزشکی می‌داند. مقارنت روز دعای جمعی برای ریشه‌کنی ویروس کرونا با ایام شب قدر و عزاداری مولای متقیان، فرصت معنوی مضاعفی است برای هم‌وطنان عزیز-ست با این دعوت نایش جهانی ببیوندند و از خداوند بخواهند بیماری عالم‌گیر کووید۱۹ را ریشه‌کن کنند.مؤسسه گفت‌وگوی ادیان از مردم عزیز ایران دعوت می‌کند با هر دین و آیینی که هستند، به این دعوت لبیک بگویند و روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت هر کجا هستند، چه در خلوت خانه و چه در عبادتگاه‌ها، با حفظ فاصله اجتماعی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی، به این حرکت جهانی بپیوندند و برای ریشه‌کنی این بیماری دست به دعا بردارند.

قصه‌های شهر

حباب

عاقلی حسابی را که ۳۰ سال سابقه دارد می‌پند؟ بله، این‌طوری است که الان دارای چندین کارت بانکی هستم که گویا یکی‌شان ارزش زیرخاکی هم دارد و البته خدمات و مزایای هیچ‌کدام از این کارت‌های رنگارنگ فرق چندانی با هم ندارند و اگر بخواهم وام بگیرم، باید به سرِباغ همان ماست‌بندی سر خیابان‌نام بroom بروم و درگرم‌ر با کج‌کنم تا مردانگی به خرج دهم و بیاید ضامن وامم شود.قاعدتا مثل قاطبه مردم شریفی که این روزها از نگرانی بی‌ارزش‌شدن سرمایه مادی‌شان دارندد هرطوری شده مطالعه و تحقیق می‌کنند تا بفهمند این ماجرای حباب بورس یعنی چه، باید من هم دستم به چنین تحقیقی بزنم، اما چه کنم که در حال پژوهش روی مسئله مهمی به اسم سندرم پارک خودروی خود مقابل در پارکینگ دیگری هستم. ایدا فکر نکندیک که این مسئله به‌خاطر اینکه هفته پیش راننده محترمی از ساعت ۱۰ صبح ماشینش را مقابل در پارکینگ منزل‌مان گذاشته بود و هشت ساعت بعد لبخند به لب و معذرت‌گوین بازگشت فقرم را مشغول کرده. در طی ۲۰ سال گذشته با وجود تعویض چندین منزل و به‌ویژه در ساختمان محل کارم به طور متوسط هر دو هفته یک‌بار با چنین پدیده‌ای روبه‌رو بوده‌ام. برای رودرویی با این پدیده‌های روش‌های مختلفی مثل لبخند متقابل، تماس با پلیس ۱۱۰، تو نیکمی می‌کن و در دلجه انداز و تو آدم نیستی هوچی را اوتخاستم کرده‌ام، اما متأسفانه هیچ‌کدام در کاهش این پدیده تأثیر قابل‌توجهی نداشته‌اند. احتمال دارد که این سندرم هم ریشه در نوعی حباب داشته باشد؛ جایی که از کارهای ضروری و مسابقه زندگی ساخته‌ایم و وقتی بترکد، همه‌مان را با هم پخش‌ویلا می‌کند.



محمدتقی فاضل‌میبدی

بیش از دو ماه، به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا

در ایران تریبون‌های نمازجمعه تعطیل بود و از هفته گذشته به‌صورت محدود و در شهرستان‌های با وضعیت سفید بار دیگر خطبه‌های نمازجمعه برپا شد. اما عده‌ای می‌گویند از برخی ائمه جمعه که سخنان تندوتیزی در خطبه‌های نماز مطرح می‌کردند، خبری نیست؛ همین تلنگری است بار دیگر به اصل و اساس شکل‌گیری نمازجمعه در ایران بعد از انقلاب فکر کنند. پایگاهی که قرار بود عامل ایجاد وحدت در جامعه شود، نماز جمعه به‌عنوان یک عامل وحدت‌بخش در ادبیات پس از انقلاب ما تلقی شده است. قرار بر این بود که نمازجمعه‌های بعد از انقلاب پایگاه‌هایی باشند که مردم هفتگی در آن جمع شده و هم دست به نمایش بگذارند و در کنار هم با آرامش تعامل کنند. برای خودشان، جامعه اسلامی و مسلمانان جهان رفاه و آسایش طلب کنند. در واقع بنیان نمازجمعه در ایران بعد از انقلاب قرار بود چنین گذاشته شود که تضادها و اختلاف‌ها را در جامعه کم کند. بالاخره عبادت فقط این نیست که انسان در موقعیتی قرار بگیرد که تنها با خدا صحبت کند بلکه در کنار ارتباط با خداوند باید ارتباط با جامعه و حفظ سلامت و سعادت جامعه هم در خلال این عبادت دیده شود و بنیان آن گذاشته شود. اینها بخش‌هایی از رسالت‌های اصلی نمازجمعه است. در این میان چون نمازجمعه باید وحدتی در جامعه میان افراد مختلف، نظرهای مختلف، گروه‌ها و نژاد‌های مختلف، در برخی مناطق میان اقوام مختلف ایجاد کند، بنابراین باید از هر چیزی که موجب تنش، اختلاف و شکاف در جامعه باشد، پرهیز کند. متأسفانه ما در این چند سال شاهد پاره‌ای از خطبای دودیم که به‌جای دعوت به وحدت و رفع اختلاف در جهت ایجاد اختلاف و رفع وحدت گام برداشتند. نمازجمعه مرحوم آیت‌الله طالقانی را که در اوایل انقلاب خوانده می‌شد، با برخی از خطبه‌هایی که این روزها خوانده می‌شود، مقایسه کنید و ببینید. در این دو، سه ماه گذشته به دلیل مسئله ویروس



سیدمحمدعلی ابیطبی
رئیس مؤسسه گفت‌وگوی ادیان

کمیته «برادری انسانی» که میان الازهر و واتیکان به‌منظور بسط توسعه و همزیستی مسالمت‌آمیز و برادری بین پیروان تمام ادیان شکل گرفته است، هفته گذشته از رهبران و پیروان ادیان مختلف در سراسر جهان دعوت کرد تا برای ریشه‌کنی بیماری کووید۱۹، روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت، همه با هم به درگاه خداوند نایش و تضرع کنند. مؤسسه گفت‌وگوی ادیان با استقبال از این پیشنهاد ارزنده، در وضعیت پاندمیک و قرنطینه و تهایی و انزوای اجباری جهانی و رنج‌های مضاعفی که این بیماری به مردمان جهان عارض کرده



گیتی مفزرزاده

این روزها از هر سه نفری که می‌بینم، یک نفر به دنبال سرمایه‌گذاری در بورس است و نفر دوم هم دارد اطلاعات لازم و کافی جمع می‌کند که آیا وارد این بازار بشود یا نه. مطمئن هستم که اگر به سراغ مغازه ماست‌فروشی سر خیابان هم بروم، نظرات جامع و کاملی درباره بورس دارد و چندتایی از دوستان و آشنایان هم تا همین الان اقدام به خرید سهام کرده‌اند. بانک‌هایی که در آنها حساب دارم در این هفته چند پیام مهرآمیز برایم فرستاده‌اند که به من فرصت داده‌اند بدون داشتن کد بورسی در خرید سهام شرکت کنم. البته فکر نکندیک داشتن حساب‌های متعدد بانکی به‌خاطر این است که سرمایه‌های کلانی دارم؛ یکی را وقتی می‌خواستم وام ازدواج بگیرم مجبور شدم باز کنم، آن دیگری به‌خاطر این بود که فلان سازمانی که با آن کار می‌کردم فقط دستمزد را به شرط بازکردن حساب در آن بانک پرداخت می‌کرد، یکی دیگر تنها بانکی بود که قبل از راه‌اندازی سیستم‌های خودپرداز و الکترونیکی شعبه‌اش نزدیک محل کارم بود و می‌توانستم کارهای بانکی‌ام را سریع‌تر انجام بدهم و آخری هم بانکی بود که مادر و پدرم در زمان کودکی به امید آینده‌ای روشن برایم در آن حساب باز کرده بودند و وقتی چندسال پیش خواستم آن را ببندم تا از شر این‌همه کارت رنگارنگ خلاص شوم، مسئول محترم با نگاهی براندازم کرد و گفت آخر کدام آدم

دغدغه‌های طبییانه -۵-

از خطر مشترک تا درد مشترک



عبدالرضا نام‌ر م‌قدسی
متخصص مغز و اعصاب

● این اولین‌باری نیست که گونه بشر در برابر یک خطر مشترک قرار می‌گیرد. بیماری‌های مختلفی مانند طاعون، وبا و آنفلوانزا پیش از این نیز کل کره‌زمین را دربر گرفته و میلیون‌ها کشته داده‌اند. اما شاید اولین‌باری باشد که این خطر مشترک در چنین سطح بالایی، آن هم به مدد جراید و اینترنت و فضای مجازی دیده می‌شود. حالا ما از آمار سایر کشورها خبر داریم. می‌دانیم که در آن‌سوی نیم‌کره زمین در شبانه‌روز گذشته چند نفر به بیماری کووید۱۹ مبتلا شده و چند نفر برائ آن فوت کرده‌اند و وقتی داده‌ها را باهم مقایسه می‌کنیم متوجه می‌شویم که تمام بشریت در معرض یک خطر مشترک قرار گرفته‌اند؛ خطری ناشی از یک ویروس که می‌تواند کشنده باشد و اگر هم نکشد، زندگی انسان‌ها را به‌شدت مختل کرده است.

پس انسان‌ها باید در برابر این- ویروس، این خطر مشترک، باهم متحد شوند تا بتوانند از پس آن برآیند. اما مشکل اینجاست که به‌قول دبیرکل سازمان ملل، چنین اتحادی به‌شکلی ناامیدکننده رخ نداده است و هر کشوری می‌خواهد کار خود را انجام داده و اگر بتواند کشور دیگر را مقصر جلوه دهد. مانند تلاشی که «دونالد ترامپ» برای متهم‌کردن کشور چین به ساخت مصنوعی این ویروس انجام می‌دهد. رنج کشته‌شدن انسان‌ها به دعوای سیاست‌مداران برای حفظ قدرت تقلیل یافته است. خطر مشترک به درد مشترک تبدیل نشده و کسی از رنج مشترک انسان‌ها حرف نمی‌زند. کافی است وارد یک بیمارستان شویم و به بخش‌های بستری سر بزنیم تا متوجه شویم که فارغ از این- بحث‌ها این انسان‌های عادی هستند که دارند مبتلا می‌شوند و گاه می‌میرند، بشریت وقتی معنا پیدا می‌کند که یک خطر مشترک به دردی مشترک بدل شود. اگر من که بیمار نیستم یا در شرایط و قدرت بهتری به‌سر می‌برم، رنج بیمارار را درک کنم و به آنها کمک کنم در آن صورت است که به‌قول سعدی می‌توانم انسان نامیده شوم.

پزشکان و پرستاران و کادر درمان و حتی بسیاری از مردم عادی این درد را درک کرده‌اند. برای آنها نجات بشریت از این درد مهم است، فارغ از اینکه این بشر کیست و کجا ساکن است.



اما مشکل اینجاست که قدرت در دست این افراد نیست. شاید به قول «رامین جهانگیرلو» جهان کرونازاده امروزی بیش از هر چیزی به مدیران اخلاقی همانند «ماندلا» نیاز دارد؛ رهبرانی که خطر را به درد بدل کنند و در جهت کاهش این درد بکوشند. چیزی که الان مشاهده می‌کنیم دقیقاً برعکس این فرایند است. هر مدیری سعی دارد در یک روند انفرادی خود را از مدیران دیگر جهان جدا کرده و راه خود را بسورد. در مورد ویروسی که مرز نمی‌شناسد و از در و پنجره عبور می‌کند، این سیاست بدترین کار ممکن است. نگرانی‌ها از این اعمال انفرادی بیش از اینهاست، همه منتظر ساخت واکسن یا دارویی هستند که بتواند با این بیماری مقابله کند. همین حالا نیز که در حال نوشتن این مطلب هستم، خبر تأیید داروی رم‌دس‌سیور ازسوی سازمان غذاوداروی آمریکا منتشر شده است؛ این خبر خوبی است، اما سؤالی که باقی می‌ماند این است که چه کسانی قرار است از این- دارو یا واکسن‌های محتمل استفاده کنند؟

آیا شرکت‌های دارویی و دولت‌های ذی‌ربط حاضر می‌شوند که درد مردمان را درک کرده و دارو یا واکسن را در اختیار همگان بگذارند؟ آیا قرار است عده‌ای از مردم، بنا به جایگاه، قدرت یا ثروتی که دارند در اولویت مصرف این دارو باشند؟ و بقیه صرفاً به مشاهده‌گرانی بدل شوند که باید رنج بکشند و منتظر بمانند که چه زمانی نوبت آنها می‌شود؟ دیری نخواهد گذشت که ما شاهد برخورد شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و دولت‌ها در نحوه خدمات‌رسانی درمانی خواهیم بود. امیدوارم در آن زمان، بشریت سربلند از این آزمون بیرون بیاید.

هر روز خبری از بهبود اوضاع زمین و طبیعت شنیده می‌شود، اینکه تعدادی از حیوانات در این روزها به خیابان‌ها آمده‌اند یا اینکه به دلیل تعطیلی باغ‌وحش‌ها، میزان زادوولد حیوانات زیاد شده است، همه خبرهایی است که از گوشه‌وکنار جهان شنیده می‌شود. البته حلال‌روز حیواناتی که به انسان‌ها عادت داشتند و شبانه‌روز از دست آنها غذا و خوراکی می‌گرفتند، چندان مناسب نیست.

در این میان دو خبر نگران‌کننده برای رابطه انسان و طبیعت وجود دارد. از سویی وضعیت گردشگری دچار مشکل شده است و بسیاری از بوم‌گردی‌ها و توره‌ای طبیعت‌گردی و همچنین سایر مشاغل مرتبط نیز دچار شکست شده است. سی‌ان‌بی‌سی چندی پیش گزارشی در این زمینه منتشر کرده بود که از نظر نابودشدن مشاغل تأثیربرانگیز بود. طبق این گزارش که ایرنا آن را بازنشر کرده بود، صنعت گردشگری، ۱۰ درصد از کل تولید ناخالصی جهان را بر عهده دارد. همچنین تقریباً از هر چهار شغل جدیدی که در جهان خلق می‌شود، یک

